



نقش توانمندسازی زنان روستایی در توسعه پایدار محیط زیست

مجتبی صالحی چگنی^۱، پریسا احمدی^۲، سعید غلامرضایی^۳، مهدی رحیمیان^۴

چکیده

زنان که بخش اعظمی از نیروی انسانی کمی و کیفی هر کشور را تشکیل می‌دهند، می‌توانند نقش بسیار مهم و موثری در جهت پیشبرد اهداف و سیاست‌های برنامه‌ریزان در زمینه‌های زیست محیطی نمایند. در این بین، با توجه به تعامل زیاد زنان روستایی با طبیعت و محیط زیست، نقش این قشر در نگاه‌داشت و مدیریت محیط زیست بسیار مهم می‌باشد. در این بین به دلیل ارتباط فراوان زنان با محیط زیست باید به توانمندسازی زنان توجه ویژه‌ای شود و آموزش‌های خاصی را برای آنان در نظر گرفت و سعی در حل مشکلات این قشر اعظیم و توانمندسازی آنان برای حفظ محیط زیست و توسعه پایدار آن نمود زیرا این قشر اعظیم بیش‌ترین ارتباط را با محیط زیست دارند و نقش مهمی در توسعه آن دارند. توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای نسل‌های کنونی را بدون خدشه وارد کردن به توانایی نسل‌های آینده در تأمین احتیاجات‌شان برآورده کند. از الزامات اساسی توسعه پایدار استفاده صحیح از منابع موجود می‌باشد در توسعه پایدار انسان‌ها بعنوان بهره‌برداران اصلی از منابع طبیعی نقش مهمی را بر عهده دارند و زنان روستایی که جزء اصلی جامعه روستایی بوده، در مدیریت توسعه پایدار و حفظ محیط زیست نقش مهمی را می‌توانند برعهده بگیرند. یکی از مباحث مهم در بحث توسعه روستایی و بخصوص توسعه پایدار، بهره‌گیری مناسب و بهینه از توانایی‌ها و استعداد‌های زنان روستایی در جامعه روستایی است، به عبارت دیگر میزان بهره‌گیری و استفاده از فرصت‌های مناسب همواره به عنوان یکی از پارامترهای اساسی توسعه انسانی مطرح بوده و هست، پس اهمیت به موقعیت خاص زنان روستایی در جامعه امروزی، امری ضروری و دور از اجتناب است. با توجه به مطالب فوق و اهمیت موضوع هدف مقاله حاضر بررسی نقش توانمندسازی زنان روستایی در توسعه پایدار محیط زیست است.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، توسعه پایدار، زنان، محیط زیست.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه لرستان

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه لرستان

^۳ استادیار گروه اقتصاد و توسعه روستایی دانشگاه لرستان

^۴ استادیار گروه اقتصاد و توسعه روستایی دانشگاه لرستان



مقدمه

نیروی انسانی نقش تعیین کننده‌ای در توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کند. برخی از پژوهشگران دلیل عمده پایین بودن پیشرفت‌های فناوری در کشورهای در حال توسعه را نه به محدودیت عامل‌های تولید بلکه به عدم توسعه یافتگی منابع انسانی نسبت می‌دهند (میرترابی و هم‌کاران، ۱۳۸۹) در این راستا باید به زنان توجه ویژه‌ای شود و با توجه به روند زندگی بشری طی چند قرن اخیر نشان می‌دهد که توسعه به ویژه توسعه پایدار بدون در نظر گرفتن نقش زنان ممکن نیست. مطالعات انجام شده در تعداد زیادی از جوامع نشان داده است که زنان عامل مهمی برای رشد و توسعه هستند. توانایی آنان در پس انداز و سرمایه‌گذاری در خانواده به خوبی به اثبات رسیده است. زنان به عنوان مراقبت کنندگان از تغذیه خانواده، با گرسنگی و سوء تغذیه مبارزه می‌کنند. نقش عظیم و نانوشته‌ی آن‌ها در کشاورزی، بقای بسیاری از اجتماعات معیشتی و حفظ محیط‌زیست را تبیین می‌کند (World Bank, 2003). عموماً این نقش زنان در برنامه‌ریزی‌های محلی و منطقه‌ای نادیده گرفته شده است و فعالیت‌های روزمره زنان امری عادی و فاقد تاثیر ساختاری خاص در نظر گرفته شده است. در حقیقت زنان به عنوان کنش‌گرانی منفعل در روند تحولات بشری نگریسته شده‌اند. این در حالی است که مشارکت زنان همراه با مردان در تمامی مسائل نشان پذیرش برابری ارزش انسانی همه احاد جامعه می‌باشد که با همدیگر در امور مختلف هم‌کاری نموده و از طریق آن دست به تحول می‌زنند و تغییراتی مثبت را به وجود می‌آورند که برای آینده کل جامعه می‌تواند مفید باشد (صفری‌شالی، ۱۳۸۰). امروزه، فرآیند توسعه به عنوان یکی از بحث‌انگیزترین مسائل روز بشری به حساب می‌آید. توسعه یک فرآیند پیچیده، جامع و چندبعدی است که به جزء رشد صرف اقتصادی کلیه ابعاد زندگی و کلیه نیروهای یک اجتماع را شامل می‌شود، اجتماعی که عناصر و اعضای آن فراخوانده می‌شوند تا رهاوردی در این فرآیند داشته و می‌توانند انتظار داشته باشند که در آن منافع سهیم باشند، توسعه بایستی بر مبنای خواست هر اجتماع بوده و باید هویت بنیادی خود را ابراز دارد (رابط، ۱۳۸۰). در بسیاری از کشورهای جهان سوم نیز راهبردهایی برای رفع موانع مشارکت عملی زنان در توسعه اتخاذ شده است. توان‌مندسازی زنان یکی از راهبردهاست (طالب و نجفی، ۱۳۸۶). توان‌مندسازی فرآیند پویایی است که طی آن زنان سعی می‌کنند تا ساختارهایی را که آن‌ها را در حاشیه نگاه می‌دارد دگرگون سازند (Ugbomeh, 2001: 293).

توجه به توانایی‌های بالقوه زنان در خصوص ایفای نقش فرهنگ‌سازی، حفاظتی، احیایی و ... در راستای اهداف پایداری منابع طبیعی می‌تواند برای سیاست‌گذاران این بخش بسیار راه‌گشا باشد. زنان با دارا بودن نقش مدیریت خانواده انتقال تعالیم اعتقادی و فرهنگی را به عهده دارند، بدیهی است که هر چه سطح آگاهی‌ها و اطلاعات ایشان بیشتر باشد به تبع آن ارتقاء فرهنگ عمومی جامعه بیشتر محقق خواهد شد. زنان در نقش‌های اجتماعی و به عنوان هم‌یاران طبیعت نیز به صورت خاص می‌توانند نقش موثر خود را به عنوان آموزش‌گر، مروج و یا سایر شکل‌های اجتماعی زنان ایفا نمایند. در زمینه منابع طبیعی و محیط‌زیست تاکنون شاهد فعالیت‌های زنان در سطح گسترده و وسیع و سازماندهی شده شکل‌های گوناگون بوده‌ایم، که تأثیر چشم‌گیری در ایجاد حساسیت در مردم نسبت به مسائل منابع طبیعی داشته است. واضح است که برای استفاده بیشتر و موثرتر از این نیروی عظیم اجتماعی در راستای تحقق اهداف حفاظت و توسعه منابع طبیعی لازم است حمایت‌های مقتضی نسبت به ایجاد و تقویت گروه‌های زنان فعال در زمینه منابع طبیعی مبذول گردد. با توجه به مطالب فوق و اهمیت موضوع هدف پژوهش حاضر بررسی نقش توان‌مندسازی زنان روستایی در توسعه پایدار محیط‌زیست است.

زنان روستایی

زنان روستایی یک سوم از نیروی کار رسمی روستایی را به خود اختصاص داده‌اند، هم‌چنین از نظر اقتصادی نیز زنان ۱۰ درصد درآمد جهان و یک سوم دارایی‌های جهان را در اختیار دارند (جمشیدی و کرمی، ۱۳۸۳). وضعیت زنان در هر جامعه‌ای نشانگر میزان پیشرفت آن جامعه است و این واقعیتی است که روز به روز تعداد بیش‌تری آن را درمی‌یابند (محمودیان، ۱۳۸۲). ورود ماشین‌آلات کشاورزی به روستاها از ابعاد مهم توسعه به شمار می‌رود و می‌تواند در قالب شاخصی مؤثر در برنامه‌ریزی روستایی مورد توجه قرار گیرد، باعث شده است که نقش فعال زنان در عرصه تولید کاهش یابد و زنان روستایی تولیدکننده سابق، به زنان خانه‌دار مصرف‌کننده تبدیل شوند؛ روندی که با پیامدهای منفی در عرصه روستا همراه است و در عمل قشری عظیم و فعال را از فرآیند تولید حذف می‌کند. در این راستا، ایجاد اشتغال مناسب با توان‌مندی‌ها و نیازهای روز زنان و پاسخ‌گویی به آن‌ها حائز اهمیت فراوان است (نامدار، ۱۳۸۹). بدین منظور از



دهه هفتاد میلادی، مسائل مربوط به شرکت همه جانبه زنان در فرایند برنامه‌های توسعه ملی به تدریج وارد دستور کار سازمان‌های توسعه و عمران ملی و بین‌المللی گردید و تا سال ۱۹۸۰ بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مسائل مربوط به زنان را به وضوح در برنامه‌های توسعه خود قرار دادند. تمامی این تلاش‌ها سعی در آگاه ساختن مردم از اهمیت پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان جامعه (که پیش از این از نظرها پنهان بود) در توسعه کشور و محل زندگی داشت، زیرا هیچ برنامه‌ای بدون توجه به آنان به اهداف خود نمی‌رسد و هیچ توسعه‌ای پایدار و کامل نخواهد شد (خواجه نوری، ۱۳۷۶). تحقیقات در مورد زنان شاغل (به ویژه در بخش غیررسمی اقتصاد)، در شهر و روستا، باعث شد که اهمیت و انواع فعالیت‌های تولیدی زنان در اقتصاد جهان سوم روشن شود. اما در مورد زنان روستایی این موضوع اهمیتی دوچندان می‌یابد، زیرا زن بودن در دنیای امروز به خودی خود احتمال بودن در دایره فقر را افزایش می‌دهد (chant, ۲۰۰۳). حال زنان با زندگی در جوامع روستایی تجربه‌ای متفاوت از تبعیض و محرومیت را می‌چشند، زیرا آنان عهده‌دار فعالیت‌های اقتصادی‌ای هستند که منجر به کسب درآمد ملموس نمی‌شود و همین امر سبب می‌گردد تا آنان موقعیت اجتماعی - اقتصادی پایین‌تری پیدا کنند، دسترسی و مالکیت‌شان بر منابع محدود شود (kaur, ۲۰۰۵).

به باور بیش‌تر صاحب‌نظران مسائل توسعه روستایی، زنان روستایی یکی از گروه‌های موجود در جوامع روستایی هستند که بنا به دلایل گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کم‌تر مورد توجه برنامه‌ریزان واقع شده‌اند. این در حالی است که زنان روستایی نقش عمده‌ای در فعالیت‌های تولیدی بر عهده دارند و فعالیت‌های داخل منزل آنان نیز در اکثر موارد جنبه تولیدی داشته و در افزایش درآمد خانوار روستایی تأثیرگذار است، اما فعالیت اقتصادی آنان در کشورهای در حال توسعه و از همه مهم‌تر در نواحی روستایی این جوامع شکل متفاوتی دارد. این فعالیت‌ها بیش‌تر سنتی است و در داخل خانه انجام می‌شود و جنبه تولیدی داشته و در افزایش درآمد خانوار تأثیر بسزایی دارد. با این حال، زنان روستایی نامریی‌ترین مشارکت‌کنندگان در فرایند اقتصادی جامعه و خانواده هستند (Noori and Mohamadi, ۲۰۰۹).

مفهوم توان‌مندسازی و توان‌مندسازی زنان

واژه توان‌مندسازی در متون متعدد و مختلف به وسیله سازمان‌ها و اشخاص مختلف مورد استفاده قرار گرفته است، و از دهه ۱۹۶۰ میلادی توسط فعالیت‌های سیاسی رادیکالیست، گروه‌های توسعه اجتماعی شمال و جنوب، و همچنین فعالیت‌های فمینیستی در زمینه‌های آموزش، روانشناسی گسترش یافته است (Oxaal & Baden, ۱۹۹۷: ۲). واژه توان‌مندسازی در فرهنگ آکسفورد، قدرت‌مند شدن، مجوز دادن، ارائه قدرت و توانا شدن معنی شده است. در فرهنگ و بستر از توان‌مندسازی به عنوان تفویض اختیارات یا اعطای قدرت قانونی به سایرین تعبیر شده است (منوریان، ۱۳۸۷). در سال‌های اخیر، مفهوم توان‌مندسازی بخش جدایی‌ناپذیر سیاست‌های سازمان‌های غیردولتی و توسعه برای حمایت از توسعه روستایی و کشاورزی گردیده است (Danida, ۲۰۰۴).

امروزه زنان به عنوان نیمی از شهروندان و کسانی که در فرهنگ سازی جامعه نقش عمده‌ای دارند، مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند و لازم است جهت نیل به توسعه پایدار به توان‌مندسازی آن‌ها توجه خاص مبذول شود. توان‌مندسازی فرآیندی است که طی آن زنان از نیازها و خواسته‌های درونی خود آگاه می‌شوند، جرأت دستیابی به هدف را در خود تقویت می‌کنند و از توانایی لازم برای عملی ساختن خواسته‌های خود برخوردار می‌شوند (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲). نظریه‌های توان‌مندسازی خواستار قدرت دادن به زنان نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آن‌ها برای اتکا به خود و گسترش حق انتخاب در زندگی هستند (همان). از منظری دیگر، توان‌سازی یک زن، به این مفهوم است که وی برای انجام برخی از کارها توانایی جمعی پیدا می‌کند. این امر به رفع تبعیض میان زنان و مردان منجر می‌شود و یا در مقابله با تبعیض‌های جنسیتی در جامعه موثر واقع می‌گردد (دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۲: ۱۴). بررسی تعاریف مذکور نشان می‌دهد که توان‌مندسازی حاوی سه عنصر یا مفهوم مشترک در قالب تعاریف و مفاهیم است. نخستین عنصر، منابع است که شامل متغیرهای آموزش و اشتغال می‌باشد و از عوامل تسهیل‌کننده‌ی توان‌مندسازی به شمار می‌رود. دومین عنصر، عاملت است، عاملت زنان به این موضوع اشاره دارد که زنان را نباید فقط به عنوان دریافت‌کنندگان خدمات در نظر گرفت، بلکه خود زنان باید به عنوان بازیگران اصلی در فرایند تغییر به ویژه در تدوین انتخاب‌های مهم زندگی و کنترل بر منابع و تصمیماتی که تأثیر مهمی در زندگی ایشان دارد، در نظر گرفته شوند. سومین عنصر، دستاوردها یا نتایج و



پیامدهاست که در اثر فرایند توان‌مندسازی ایجاد می‌شود. دستاوردها می‌توانند از برآورده شدن نیازهای اساسی تا دستاوردهای پیچیده‌تری مانند، عزت نفس داشتن، مشارکت در زندگی اجتماعی، سیاسی و غیره را در برگیرند (کتابی و هم‌کاران، ۱۳۸۴: ۵۶). در کل واژه توان‌مندسازی زنان در برگیرنده ارتقای توانایی و استعدادها، آنان در ابعاد مختلف آموزشی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی است. زنان باید در پی شیوه‌هایی برای رشد و تعالی ارزش‌های فکری - معنوی خود باشند. آن‌ها می‌توانند از طریق شرکت فعالانه در عرصه‌های مختلف، صلاحیت و شایستگی‌هایشان را پرورش دهند و موجب تثبیت هویت خود در جامعه شوند. استفاده از فرصت‌ها، موقعیت‌ها و شرایط عادلانه و مساوی برای زنان و دختران عاملی برای ارتقای جایگاه آنان در اجتماع است. یکی از مهم‌ترین عواملی که موجب فقر و فرودستی زنان می‌شود بی‌سوادی و ناآگاهی آنان شرایط اجتماعی، اقتصادی و حتی بهداشتی روز (به ویژه در مورد خودشان) است. در واقع ۷۰ درصد فقیران جهان، ۷۳ درصد بی‌سوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند. داشتن سواد و استفاده از امکانات آموزشی فرصتی برای زنان پیش می‌آورد تا بتوانند با شناخت شرایط زیستی، اجتماعی خود گام‌های موثری در پیشرفت خانواده و اجتماع بردارند. آمار نشان می‌دهد هر چه زنان از تحصیلات آموزشی بالاتری برخوردار باشند میزان سلامت افراد جامعه بیش‌تر خواهد بود. برای مثال در کشور کنیا ۱۱ درصد کودکانی که مادرانشان بی‌سواد هستند تا ۵ سالگی می‌میرند. این در حالی است که این رقم در مورد مادرانی که تا مقطع ابتدایی درس خوانده‌اند به ۷/۲ درصد و مادرانی که تا سطح راهنمایی درس خوانده‌اند به ۴/۶ درصد می‌رسد. افزایش میزان تحصیلات زنان و دختران منجر به کاهش باروری، بالا رفتن کیفیت کار زنان، تأخیر در ازدواج، کاهش زایمان‌ها و بالا رفتن سطح زندگی خانواده می‌شود. به همین دلیل تواناسازی زنان در تحصیل در دو سطح باید شکل می‌گیرد؛ ابتدا رشد و ارتقای آموزش، سلامت، دانش و مهارت‌های آنان و دوم به کارگیری این اطلاعات و دانسته‌ها در راه مقاصد سازنده برای کسب آرامش، آسایش و فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی. در واقع قدرت سازندگی و خلاقیت زنان باید از طریق پرورش توانایی‌ها و استعدادها، آنان به گونه‌ای افزایش یابد که آن‌ها را قادر به اثربخشی برای ایجاد تحولات در سطح جامعه کند. یکی دیگر از ابعاد زندگی زنان مشارکت دادن آن‌ها در فعالیت‌های گوناگون اجتماع است. زمانی که زنان بتوانند روی زندگی خودشان کنترل داشته باشند کلید تغییر در بسیاری از زمینه‌های فعالیت‌های بشری را دارند (Unesco, ۲۰۰۴).

توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار در کشورهای مختلف به روش‌های گوناگون تعریف، درک و تفسیر شده است. این تفاوت‌ها، تنوع در شرایط زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را منعکس می‌کند (Sasha, ۱۹۹۹). واژه توسعه پایدار نخستین بار در سال ۱۹۸۰ در گزارش انجمن بین‌المللی حفاظت از منابع طبیعی (IUCN) تحت عنوان (استراتژی حفاظت از منابع طبیعی) استفاده شد و از طریق گزارش موسوم به (آینده مشترک ما) که گزارش برون‌ت لند^۵ نیز نامیده می‌شود و توسط کمیسیون محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل تهیه شده، به طور گسترده‌ای اشاعه یافت. بر اساس تعریف این گزارش، توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای نسل‌های کنونی را بدون خدشه وارد کردن به توانایی نسل‌های آینده در تأمین نیازهایشان برآورده سازد (Blake, ۲۰۰۴ & Bonnett ۲۰۰۳).

رابینسون^۶ معتقد است، منظور از توسعه پایدار، روندی از توسعه اقتصادی است که منابع را تحلیل‌نبرد^۷ و هزینه‌های زیست‌محیطی منفی برای بقای کره زمین ایجاد ننماید. هم‌چنین این اصطلاح شامل آن است که منافع اقتصادی چنین توسعه‌ای باید به طور وسیع منتشر شود. مانگی^۸ توسعه پایدار را بهبود ممتد در سطوح زندگی مردم به ویژه افراد فقیر و گروه‌های فاقد مزیت می‌داند (Mwangi, ۲۰۰۱).

تفاوت تعاریف ارائه شده از توسعه پایدار عمدتاً ناشی از برداشت‌های مختلف از واژه پایداری است. در حالی که بعضی روی تعادل طبیعی یا اکوسیستمی متمرکز هستند، دیگران رشد اقتصادی پایدار را مد نظر دارند. از سوی دیگر برای دیگران حفظ سنت‌ها یا ظرفیت ارضی نیازهای انسانی، اشاره به پایداری دارد (Bonnett, ۲۰۰۳: ۶۷۸).

در خصوص توسعه پایدار دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی ارائه گردیده است و هر یک از این دیدگاه‌ها از بعد خاصی به توسعه پایدار توجه نموده‌اند. سازمان ملل متحد توسعه پایدار را در برگیرنده جنبه‌های زیر معرفی می‌نماید:

۵ . Brundtland
۶ . Rabinson
۷ . Use Up
۸ . Mwangi



۱) توجه به تفکر توسعه خودی در چارچوب محدودیت‌های منابع طبیعی؛
۲) کمک به تهی‌دستان، زیرا برای آنان راهی جز تخریب محیط زیست باقی نمی‌ماند؛
۳) توجه به موثر بودن توسعه با بکارگیری ویژگی‌های اقتصادی غیر سنتی؛
۴) در نظر گرفتن موضوعات مهم تکنولوژی مناسب، بهداشت و مسکن برای همه و
۵) درک این واقعیت که انگیزه‌های مردم محوری، مورد نیاز می‌باشد (رابط، ۱۳۸۰).
به طور کلی تفاسیر از توسعه پایدار چند بعدی هستند. اغلب میان اهداف اجتماعی شامل (عدالت، مشارکت، برابری، توان‌مند سازی، پایداری نهادی، انسجام فرهنگی و...) اهداف اکولوژیکی شامل (حفظ تنوع زیستی، حفظ منابع طبیعی و...) و اهداف اقتصادی شامل (رشد، کارایی و رفاه مادی و...) تمایز قائل می‌شوند (Savage, 2007: 217). چنین تصور چند بعدی مسیر اصلی در تحلیل و دفاع از توسعه پایدار را نشان می‌دهد. از سوی دیگر از زمان مطرح شدن توسعه پایدار در گزارش برانت‌لند، تمایز بین سیاست‌گذاری پایدار از سیاست‌گذاری زیست محیطی مشکل‌تر شده است. گزارش‌های مربوط به توسعه پایدار اغلب با عباراتی درباره پایداری به عنوان حراست از رفاه نسل‌های، آینده شروع می‌شود اما سپس با تأکید بر سیاست‌های زیست‌محیطی ادامه می‌یابد (Pezzey, 2003). همان‌گونه که دوسون^۹ (2003) نیز اشاره می‌کند، کار روی توسعه پایدار اساساً درباره حفاظت از محیط زیست است. در اصطلاحات سیاست‌گذاری توسعه پایدار در نهایت درباره بهبود زیست محیطی و چالش‌های آن می‌باشد. آگه من و همکاران او (2003) نیز اشاره می‌کنند که مباحث تئوری‌های پایداری روی محیط زیست متمرکز است (Krueger & Savage, 2007) این امر نشان دهنده اهمیت مسائل زیست محیطی در عصر حاضر و چالش‌های فراروی آن و نتایج مستقیم آن بر نسل کنونی و نسل‌های آینده است.

نقش زنان در محیط زیست

در زمینه نقش زنان در حفاظت از محیط زیست، نظریه‌های گوناگونی مطرح شده است. برخی از نقش‌آفرینان که می‌توان آنان را پیرو نظریه برتری زنان در حفاظت محیط زیست دانست، معتقدند که زنان به دلیل زن بودن، بهتر از مردان از محیط زیست خود محافظت می‌کنند. اما گروه دیگری که با این نظر موافق نیستند، می‌گویند زنان نه به عنوان زن بودن، بلکه به علت تجربه‌هایی که در زمینه استفاده از منابع طبیعی و مدیریت مربوط به آن دارند، بیش از مردان در حفظ محیط زیست نقش داشته‌اند. کسانی دیگر با طرح بحث جنسیت می‌گویند که زنان و مردان در مسیر زندگی اجتماعی خود دارای نقش‌ها و نیازهای متفاوتی هستند که باید آن‌ها را شناخت و برنامه‌های توسعه را بر مبنای این نقش‌ها و نیازها تنظیم کرد. سرانجام برخی از نظریه‌پردازان عقیده دارند که زنان علاوه بر نقش‌های موجود، خود دارای نیروهایی هستند که هنوز کشف و مشخص نشده است و از این رو لازم است برنامه ریزان توسعه، برای شکوفایی چنین نیروهای بالقوه‌ای بستر مناسب فراهم نمایند. ولی آنچه مسلم است این که در طول تاریخ و در سراسر جهان به نقش‌ها، نیازها و نیروهای زنان چنان که شایسته است نگریسته نشده و به همین دلیل هنگامی که با موضوع حفظ محیط زیست روبه رو می‌شویم، می‌بینیم که نیمی از جمعیت جهان که در طول تاریخ بیش از نیمی دیگر به طبیعت نزدیک بوده‌اند، به سبب مشکلاتی چون فقر، عدم دستیابی به آموزش و آگاهی‌های لازم علی‌رغم نیروی بی‌مانند خود نتوانسته‌اند نقش موثر خود را در این زمینه ایفا کنند (امیردیوانی، ۱۳۹۱). هم‌چنین در بحث زنان و محیط زیست باید از ابعاد گوناگونی به مسأله توجه کرد: (امیردیوانی، ۱۳۹۱).

- زنان به عنوان بهره‌گیران از منابع طبیعی مطرح هستند
- شیوه بهره‌گیری و دانش سنتی و نیز نزدیکی و ارتباط زنان با طبیعت
- بهره‌گیری نادرست زنان به دلیل فقر، تنگدستی و عدم آگاهی آنان
- زنان به عنوان مشارکت‌کنندگان در امر مدیریت منابع طبیعی
- شیوه مدیریت و امکانات مربوط به آن
- زنان به عنوان آموزش‌دهندگان دانش حفظ محیط زیست
- زنان نخستین بازندگان تخریب محیط و یا برندگان حفاظت از آن.

^۹.Dobson



مهمترین نقش زنان در حفظ محیط زیست

- زنان عامل اصلی اصلاح فرهنگ مصرف هستند؛
- زنان به دلیل نقش مهمی که در مدیریت خانه دارند، می‌توانند برنامه‌ریزان اصلاح محیط زیست در خانه و محله خود باشند؛
- زنان عامل اصلی انتقال فرهنگ و سواد زیست محیطی به نسل‌های آینده می‌باشند و
- زنان عامل انتقال میراث معنوی و دانش سنتی زیست محیطی هستند که باید از نو کشف و مورد بهره‌برداری مناسب قرار گیرد (همان).

مشارکت زنان و توسعه پایدار محیط زیست

شیوا^{۱۰} معتقد است که اکثر تحقیقات در مورد زنان و محیط زیست، روی زنان به عنوان قربانیان ویژه تخریب محیط زیست متمرکز شده‌اند. در حالی که در کنار این دیدگاه، توجه به بازشناسی نقش زنان در مدیریت منابع پایدار، مهم است (Derek & Hyma, ۱۹۹۷). مدارکی وجود دارد که زنان از نظر زیست محیطی نسبت به مردان آگاه‌ترند و بیش‌تر در فعالیتهای حفاظت از محیط زیست از قبیل بازیافت مواد زائد، استفاده مجدد از مواد زائد، خرید آگاهانه کالاهای سازگار با محیط زیست و ... درگیر هستند (Begum, ۲۰۰۴). اکوفمینیست‌ها بحث می‌کنند که به طور تاریخی دانش زنان از طبیعت به حفظ زندگی کمک می‌کند. نظریه اکوفمینیستی تسلط و بهره‌کشی تاریخی زنان و طبیعت را در کنار یکدیگر ترسیم کرده و هر دو را قربانیان توسعه در نظر گرفته است. بر اساس این دیدگاه هر آسیبی به طبیعت به زنان آسیب می‌رساند (Manisha, ۲۰۱۲). اکولوژیست‌های سیاسی فمینیست نیز نشان داده‌اند که زنان در کشورهای در حال توسعه، دانش عمیقی درباره بذرها، بوته‌ها، گیاهان و درختان و در کل منابع طبیعی دارند (Gururani, ۲۰۰۲). بنابراین کاهش فقر، بدون درک نقش‌ها و نیازهای متمایز زنان نمی‌تواند بدست آید. از این رو تمرکز روی ریشه کنی فقر، برابری جنسیتی و پایداری زیست محیطی در حقیقت نشان می‌دهد که بین کاهش فقر، توان‌مندسازی زنان و حفظ منابع طبیعی رابطه‌ای اساسی وجود دارد (Pearl, ۲۰۰۳). به عقیده سگر^{۱۱} یکی از اصول توسعه پایدار، اصل مشارکت عمومی و دسترسی به اطلاعات و عدالت است. این اصل معتقد است که مردم باید قادر به مشارکت در روندهای تصمیم‌گیری باشند، که بر رفاه و زندگی‌شان موثر است (Segar, ۲۰۰۴). یانگ^{۱۲} در کتاب خود به نام "برنامه‌ریزی و توسعه با زنان" درگیری زنان را در همه سطوح تفکر، برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی توسعه را به عنوان ظرفیت‌سازی برای تغییر نه تنها در میان زنان، بلکه برای جامعه وسیع‌تر می‌بیند. او اشاره می‌کند که به دلیل اینکه زنان منابع با ارزشی هستند، تنها نباید به عنوان کارگران ساده برای استراتژی‌های توسعه‌ی طرح ریزی شده به وسیله دیگران دیده شوند، بلکه نیازمند آن هستند که به عنوان برنامه‌ریزان و طراحان توسعه بکار گرفته شوند (Lucas, ۲۰۰۱). در اینجا مشارکت در تصمیم‌گیری اشاره به حضور فعال در طراحی، اجرا و بازنگری فعالیتهای توسعه پایدار در همه سطوح دارد (Mwangi, ۲۰۰۱). در سیاست‌های جنبش محلی از دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۸۰ زنان مشارکت‌کنندگان اصلی در سازمان‌های اجتماعی بودند، اما اغلب به عنوان رهبران شناخته نشده‌اند. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ زنان مدافعان قوی برای کنترل اجتماعی خدمات و امنیت محلی بودند. علی‌رغم این، نقش برجسته زنان در ارتقاء و توسعه برنامه جامع در سازمان‌های بر پایه اجتماع، هرگز به طور کامل بازشناسی و مورد تقدیر قرار نگرفته است (Molyneux, ۲۰۰۲). بنابراین بررسی و مطالعات نشان داده است که با وجود اینکه زنان در دستیابی به شاخص‌های توسعه، محروم‌تر از مردان هستند، اما نقش کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی را بر عهده دارند (شاهوردی و هم‌کاران، ۱۳۸۵). لوکاس^{۱۳} معتقد است مشارکت زنان در روند تصمیم‌گیری‌ها یک روند توان‌مندسازی است، فرصتهایی برای تصمیم‌گیری و تفکر جمعی فراهم می‌آورد، ظرفیت تفکر انتقادی را افزایش می‌دهد و موضوعات عدالت اجتماعی و کنش جمعی نسبت به اهدافی را که جامعه از آن نفع می‌برد، مجدداً نشان می‌دهد. او ادامه می‌دهد هنگامی که به زنان فرصت داده می‌شود می‌توانند با شرایط وفق یافته و بر عوامل بیرونی که زندگی خود و خانواده‌شان را شکل می‌دهد، تاثیر بگذارند (Krueger & Savage, ۲۰۰۷).

۱۰ . Van Adana Shiva

۱۱ . Segar

۱۲ . Young

۱۳ . Lucas



نمونه‌های بسیاری از اهمیت مشارکت زنان در برنامه‌های حفاظت از محیط زیست در پروژه‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از قبیل سازمان ملل، بانک جهانی، فائو و ... وجود دارد که نقش قاطع زنان را در روندهای اجرا و تصمیم‌گیری نشان می‌دهد به ویژه در کشورهای در حال توسعه که زنان بیشترین تماس مستقیم با محیط زیست را دارند، برنامه‌های حفاظت از محیط زیست آن‌ها را به عنوان گروه‌های هدف در نظر گرفته و موفقیت این برنامه‌ها را علی‌رغم موانع زیاد، تابعی از مشارکت زنان می‌داند.

جمع‌بندی

زنان در پایداری محیط زیست نقش عمده‌ای دارند. زنان با توجه به نقشی که در عرصه‌های گوناگون دارند، قادر به تاثیرگذاری بسیار بر محیط زیست هستند. در بسیاری از نقاط دنیا به ویژه نقاط روستایی، زنان از مهم‌ترین نیروهای درگیر در امر کشاورزی و در نتیجه ارتباط مستقیم با محیط زیست هستند. در این زمینه زنان دارای دانش و مهارت بسیار در مورد مسائل مرتبط با محیط اطراف خود هستند. نقش آنان در کشاورزی، پرورش دام، تهیه آب به ویژه در مناطق کویری، کشت و مراقبت از باغچه‌های خانگی، مصرف خانوار و ... بسیار پر رنگ بوده و می‌توانند تاثیر بسیاری بر محیط زیست اطراف خود داشته باشند. همان‌گونه که مشاهده شد زنان می‌توانند نقش مهمی در حفاظت از محیط زیست و مصرف بهینه منابع داشته باشند. با این حال نقش آنان در روندهای تصمیم‌گیری زیست محیطی چندان ملموس نمی‌باشد، هر چند که در سال‌های اخیر زنان نقش پررنگ‌تری را در روندهای تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی بر عهده دارند. با این حال ورود زنان به عرصه تصمیم‌سازی و ارائه آموزش‌های لازم به آنان و بالا بردن آگاهی‌های زیست محیطی و دادن اطلاعاتی در زمینه چگونگی تاثیرگذاری آنان بر محیط زیست اطرافشان، می‌تواند تا حدی حداقل در سطح محیط زندگی به کاهش تخریب و آسیب به محیط زیست کمک و باعث توسعه پایدار محیط زیست می‌شود به عبارت دیگر زنان این اطلاعات و آموزش‌ها را به فرزندان خود منتقل کرده و نسلی تربیت خواهد شد که در عرصه‌های مختلف حافظ محیط زیست و طبیعت خواهد بود. بنابراین رگم پذیرش موضوع برابری جنسیتی و توان‌مندسازی زنان، هنوز هم در سطوح تصمیم‌گیری، فاصله چشم‌گیری بین زنان و مردان در مشاغل مرتبط با تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی وجود دارد. در این راستا برای توان‌مندسازی زنان و حرکت به سمت توسعه پایدار محیط زیست پیشنهادهایی ارائه می‌شود:

- افزایش حضور زنان در روندهای تصمیم‌سازی زیست محیطی از طریق ایجاد نهادهای اجتماعی محلی؛
 - برگزاری فعالیتهای آموزشی ترویجی برای زنان روستایی با محوریت مدیریت محیط زیست؛
 - شناسایی و زمینه‌یابی کسب و کارهای خانگی مبتنی بر حفظ محیط زیست؛
 - استفاده از فناوری‌های محیط زیست دوست در امور و فعالیتهایی که زنان در آن نقش دارند؛
 - شناسایی پتانسیل‌های زنان روستایی در عرصه مدیریت محیط زیست هر منطقه؛
 - اعمال سیاست‌های حمایتی به زنان سرپرست و بد سرپرست جهت کاهش آسیب‌رسانی زنان به محیط زیست؛
 - بهره‌مندی از آموزگاران زن با هدف ارتقای آگاهی زنان و دختران روستایی؛
 - گنجاندن مطالب و موضوعات آموزشی در سطح مدارس نسبت به اهمیت و جایگاه زنان در مدیریت محیط زیست.
- بهره‌مندی از تشکلهای NGO,s دوست دار محیط زیست زنان جهت تعامل با زنان روستایی و آگاهی یافتن آنان نسبت به جایگاه زنان.

منابع

- امیردیوانی، پ. (۱۳۹۱). زن و محیط زیست. کارشناس مهندسی محیط زیست مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت محیط زیست.
- جمشیدی، م.، و کرمی، ع. (۱۳۸۳). «پیامدهای توسعه روستایی برای زنان». مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، سال ۱، جلد ۲، شماره ۲.



- خواجه نوری، ب. (۱۳۷۶). بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر بیگانگی زنان (مطالعه موردی زنان شهر شیراز)، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه شیراز.
- دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد. (۱۳۷۲). نقش زنان در توسعه. تهران: انتشارات روشنگران. چاپ اول.
- رابط، ع. (۱۳۸۰). نقش زنان روستائی در توسعه پایدار منابع آب. عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان زنجان، ص ۱ - ۲.
- شاهرودی، ع.، چیدری، م و توسلی، ب (۱۳۸۵). تأثیر دانش بومی زنان روستایی بر توسعه پایدار کشاورزی، جهاد (ترویج کشاورزی و توسعه روستایی)، خرداد و تیر، شماره ۲۷۱ ص ۱۴۲.
- صفری شالی، ر. (۱۳۸۰). نقش توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان در توسعه پایدار روستایی، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی و عشایر، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی.
- طالب، م. و نجفی، ز. (۱۳۸۶). پیامد اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار نگاهی به نتایج طرح حضرت زینب کبری (س) در روستاهای بویین زهرا، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۶.
- کتابی، م.، یزد خواستی، ب.، و فرخی راستایی، ز. (۱۳۸۲). توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه. پژوهش زنان، دوره ۱، سال ۳، ش ۷، پاییز، صص ۳۰-۵.
- کتابی، م.، یزد خواستی، ب.، و فرخی راستایی، ز. (۱۳۸۴). پیش شرط ها و موانع توانمندسازی زنان مطالعه‌ی موردی زنان شهر اصفهان، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی). جلد نوزدهم، شماره ۲، صص ۴-۵.
- محمودیان، ح. (۱۳۸۲). بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استان‌ها در سال‌های ۵۵، ۶۵ و ۷۵، نامه علوم اجتماعی شماره ۲۱۱، صص ۲۱۸-۱۸۹.
- منوریان، ع. (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر توانمندسازی کارکنان سازمان مدیریت و برنامه ریزی. مجموعه مقالات سومین کنفرانس توسعه منابع انسانی.
- میرترابی، م.، حجازی، ی.، و حسینی، س. (۱۳۸۹). عامل‌های ارتباطی تأثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های پس از برداشت محصولات کشاورزی بخش آسارا، کرج. فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال ۱، شماره ۴، صص ۱۹-۳۲.
- نامدار، م. (۱۳۸۹). «عوامل مؤثر بر اشتغال زنان همراه با ورود فناوری‌های نوین به عرصه اقتصاد روستایی: مطالعه موردی کمباین‌داران استان فارس». اقتصاد و توسعه کشاورزی، جلد ۲۵، شماره ۱، صص. ۱۰۹-۱۲۰.

Armitage Derek, R., and Bala, Hyma. (۱۹۹۷). "Sustainable Community-based Forestry Development: A Policy and Programmer Framework to Enhance Women's Participation". Singapore Journal of Tropical Geography, ۱۸(۱), ۱۹۹۷, ۱-۱۹.

Begum, Julekha. (۲۰۰۴). "Women, Environment And Sustainable Development: Making The Links". In Women and the Environment. Edited By United Nations Environment program me. Published By The United Nations Environment program me (UNEP).

Bonnett, M. (۲۰۰۳). "Education for Sustainable Development: Sustainability As A Frame Of Mind". Journal of Philosophy of Education, Vol. ۳۷, No. ۴: ۶۷۵-۶۹۰.

Chant, S. (۲۰۰۳). Female household headship and the feminisation of poverty: Facts, fiction and forward strategies. Gender Institute. London School of Economics.



- Danida. (۲۰۰۴). Farmer empowerment: Experiences, lessons learned and ways forward. Danish Institute of International Studies. [On line] Available on:
<http://www.neuchatelinitiative.net/english/FarmerEmpowermentexperienceslessonslearnedandwaysf.DOC>.
- Gururani, Shubhra. (۲۰۰۲). "Construction of Third World Women's Knowledge In The Development Discourse". Unseco ۲۰۰۲, Published by Blackwell Publishers, ۳۱۴.
- Kaur, A., Sherbinin, A., Toure, A., Jensen, L. (۲۰۰۵). Economic Empowerment of Women, United Nations Population Fund ۲۲۰ East ۴۲ nd Street New York, New York ۱۰۰۱۷ (UNPF).
- Krueger, Rob., and Lydia, Savage. (۲۰۰۷). "City-regions And Social Reproduction: A 'Place' For Sustainable Development?". International Journal Of Urban And Regional Research, Volume ۳۱, ۱ March ۲۱۵-۲۳.
- Lucas, Emma. (۲۰۰۱). "Social Development Strategies of a Non-governmental Grassroots Women's Organization in Nigeria". International Journal Of Social Welfare. ۱۰: ۱۸۵-۱۹۳.
- Molyneux, Maxine. (۲۰۰۲). "Gender and the Silences of Social Capital: Lessons From Latin America". Development and Change ۳۳(۲): ۱۶۷-۱۸۸.
- Mwangi, Esther. (۲۰۰۱). "Not yet Paradise: Gender, Environment And Sustainable Development In Africa". Available Electronically At: www.worldsummit2002.org/texts/EstherMwangi.pdf.
- Noori, S.H., Ali Mohamadi, N. (۲۰۰۹). An analysis of rural women economical activities (case study: Baraan region Isfahan city), Geography and Environmental Planning, ۲۰ (۲), pp ۸۷-۱۰۴. (Persian).
- Oxaal, Z., and Baden, S. (۱۹۹۷). Gender and Empowerment: Definitions, Approaches and Implications for Policy, ۲, Available at: <http://ids.ac.uk/badge>.
- Pearl, Rebecca. (۲۰۰۳). "Common Ground. Women's Access to Natural Resources and The United Nations Millennium Development Goals". Printed on Recycled, Chlorine-free Paper By Astoria Graphics, Inc.
- Pezzey, John. (۲۰۰۴). "Sustainability Policy and Environmental Policy". Scand. J. Of Economics ۱۰۶(۲), ۳۳۹-۳۵۹.
- Rao, Manisha. (۲۰۱۲). Ecofeminism at the Crossroads in India: A Review, DEP n. ۲۰/, Available Electronically At: www.unive.it/media/allegato/dep/n20-2012/Ricerche/Casi/11_Rao_Ecofeminism.pdf.
- RatnerBlake, D. (۲۰۰۴). "Sustainability as A Dialogue Of Values: Challenges To The Sociology Of Development". Sociological Inquiry, Vol. ۷۴, No. ۱, February, ۵۰-۶۹.
- Segar, Marie., Claire, Cordonier . (۲۰۰۴). "Significant Developments In Sustainable Development Law And Governance: A Proposal". Natural Resources Forum ۲۸, ۶۱-۷۴.
- Tsenkova, Sasha. (۱۹۹۹). "Sustainable Urban Development In Europe: Myth Or Reality?" Joint Editors and Blackwell Publishers Ltd ۱۹۹۹. Published By Blackwell Publishers p ۳۶۳.
- Ugbomeh, George M.M. (۲۰۰۱). "Empowering women in Agricultural Education for sustainable Rural Development", community Development Journal ۳۶(۴): ۲۹۰-۳۰۰.
- UNESCO. (۲۰۰۴). Empowerment Women, Building New Communication. . Available At: www.unesco.com.
- World Bank. (۲۰۰۳). "Sustainable Development in a Dynamic World. Transforming Institutions, Growth, and Quality Of Life". A Copublication of the World Bank and Oxford University Press.